



جایگاه و نقش همسران رسول خدا (ص) در تحولات سیاسی، فرهنگی صدر اسلام با تأکید بر احادیث فریقین

بشیر سلیمی، اصغر کریمخانی^۲

چکیده:

یکی از ارکان مهم جامعه اسلامی پس از رحلت نبی اعظم (ص) همسران رسول خدا (ص) بوده‌اند. حضور این بانوان فرهیخته در تحولات عصر پس از نبی اعظم (ص) امری است که از دید مورخان به دور نبوده است. اما آنچه مسلم است جایگاه ارزشی و موقعیت والای آنان در جامعه پس از پیامبر (ص) حضور آنان در کنار برخی جریانهای سیاسی، فرهنگی از دید محققان به دور مانده است. آنچه مقرر است در این پژوهش به آن پرداخته شود پاسخ این سوال اساسی است: این بانوان که به لقب پر مسمی: امهات المومنین، ملقب شده بودند چه نقشی در تحولات سیاسی و اجتماعی عصر پس از نبی اعظم (ص) بر عهده داشتند؟ تحقیقات نشان داد، همسران رسول خدا (ص) نقش موثری در تغییرات فرهنگی، نقل احادیث فقهی و تعدادی از ایشان در تحولات عصر بعد از نبی اعظم (ص) هم منفعل نبودند بلکه با حضور در عرصه های مختلف بر جهت گیری های سیاسی و تغییرات فرهنگی هم تاثیر گذاشتند. روش پژوهش در این بررسی روش توصیفی تحلیلی مبتنی بر منابع تاریخی و کتابخانه ای است.

کلیدواژگان: پیامبر(ص)، زنان پیامبر(ص)، نقش، حدیث، عایشه، ام سلمه

مقدمه:

تعداد زنان پیامبر را ۹ نفر میدانند که جز عایشه همگی بیوه و یا فقیر بودند. قابل توجه است که پیامبر سالهای جوانی خویش را با خدیجه که از او مسن تر بوده و پیش از او دو شوهر دیده بود گذرانده است. اسامی زیر نیز در تاریخ طبری ذکر شده است، اما در خصوص درستی آن اختلاف نظر وجود دارد و مورد تردید می‌باشد. ولی آنچه مسلم است پیامبر همزمان با نه زن بوده‌اند. (کلینی، ج ۵، ص ۳۹۰)

۱. فاطمه دختر سریح ۲. هند دختر یزید ۳. عصما دختر سیاه ۴. زینب دختر یزید ۵. هبله دختر قیس ۶. لیلی بنت الخطیم

۷. ملائکه دختر کعب ۸. شبنام دختر عمر الغفریه ۹. ملائکه دختر داوود ۱۰. دختر الجهال ۱۱. تکانه

طبق بررسیهای به عمل آمده اکثر تاریخ نویسان و دانشمندان اتفاق نظر دارند که پیامبر با سیزده زن ازدواج کرده به ترتیب اسامی آنها با نقششان در تحولات اجتماعی و سیاسی قبل و بعد از رحلت پیامبر نقش داشته اند در این نوشته بیاوریم.

۱. حضرت خدیجه (س)

حضرت خدیجه (ع) اولین همسر پیامبر اکرم (ص) بود، تا زمانی که در قید حیات بود رسول خدا (ص) همسری برای خویش اختیار نکرد. او دختر خُوَیَلد بن اسَد بن عبد العزّی قُصَی بن کلاب بود، و پیش از ظهور اسلام از زنان بر جسته ی قریش به شمار می رفت. وی را طاهره و سیده زنان قریش می خواندند. خدیجه (ع) پانزده سال پیش از عام الفیل (۶۸ سال قبل از هجرت) به دنیا آمد. آن حضرت پیش از آن که به عقد رسول اکرم (ص) در آید،

نخست زن ابوهاله هند بن نباش، و سپس از آن زن عتیق بن عائد از بنی محزوم شد. وی از ابوهاله صاحب دو پسر و از عتیق صاحب دختری گردید. اما جمعی از علمای بزرگ معتقدند که ایشان قبل از حضرت رسول اکرم (ص) ازدواج نکرده و فرزندان قبلی منتسب به ایشان را مربوط به خواهر حضرت خدیجه (ع) می دانند. او با آن که زنی زیبا و ثروتمند بود، خواستگاران بسیاری داشت اما به تمامی آنها پاسخ منفی داد، و با مالی که داشت به تجارت پرداخت. تا این که ابوطالب از خدیجه خواست تا برادرزاده ی خود «محمد» را به عنوان عامل خویش به سفر تجارتنی شام اعزام نماید. پس از این سفر تجارتنی بود که خدیجه (ع) به زناشویی با محمد (ص) مایل شد. خدیجه (ع) به هنگام ازدواج با محمد (ص) چهل سال داشت، درحالی که محمد (ص) بیست و پنج سال بیش نداشت. حاصل این ازدواج مبارک شش فرزند به نام های: زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه (ع)،

^۱ دکترای علوم قرآن و حدیث، مدرس دانشگاه هنر تهران theologypnu@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

قاسم و عبد الله بود. قاسم در دوسالگی پیش از بعثت و عبدالله در مکه پیش از هجرت وفات یافتند. اما دختران پیامبر (ص) به مدینه هجرت کردند و همگی پیش از فاطمه (ع) زندگانی را بدرود گفتند.

حضرت خدیجه (ع) نخستین زنی بود که پیامبر (ص) ایمان آورد، و ثروت خویش را در راه پیشرفت اسلام تقدیم نمود. او در سخت‌ترین شرایط دوران رسالت پیامبر (ص) لحظه‌ای از حمایت و پشتیبانی حضرت محمد (ص) کوتاهی نکرد و سرانجام در شعب ابوطالب هنگامی که همه مسلمانان در محاصره‌ی اقتصادی بودند به دیدار حق شتافتند. پیامبر (ص) هرگاه به یاد خدیجه (ع) می‌افتاد، اشک از دیدگانش جاری می‌شد و می‌فرمود: کجا همانند خدیجه زنی یافت می‌شود؟ آن حضرت در دهم ماه رمضان، دهم بعثت در سن شصت و پنج سالگی از دنیا رخت بر بست و در قبرستان ابوطالب مدفون گردید.

۲- سوده:

وی دختر زعمه بن قیس عبد شمس، و مادرش شمس دختر قیس بن عمرو بود. سوده همسر پسر عمویش سکران بن عمرو، و هردو از نخستین مسلمانان مهاجر به حبشه بودند. سکران پس از مراجعت به مکه در آنجا در گذشت و سوده تنها و بی سرپرست و با رنج و محنت زندگی می‌کرد، تا این که محمد (ص) در سال دهم بعثت پس از رحلت حضرت خدیجه (ع) وی را به عقد خود درآورد. (ابن اثیر، ج ۶، ص ۱۵۸) پس از هجرت رسول اکرم (ص) اونیز همراه مسلمانان وارد مدینه شد و تا پایان عمر به جز چند مورد که همراه رسول خدا (ص) بود از مدینه خارج نشد. او پس از حجه‌الوداع که که همراه پیامبر (ص) حج به جای آورد دیگر به حج نرفت و گفت: حج و عمره‌ی من منزل من است. او زنی نیکوکار بود و بسیار عبادت می‌کرد و همسری همراه و با وقار برای پیامبر (ص) بود و علاقه‌ی شدیدی به فاطمه (ع) داشت و تا سال چهل و پنج در زمان خلافت معاویه وفات یافت و در قبرستان بقیع به خاک سپرد. (محمد بن سعد، جلد ۸، صفحه ۴۲) از جمله نقشهای ایشان احادیث بجای مانده از وی است که در مورد مسایل فقهی می‌باشد (رک به: احمد ابن حنبل، ج ۵، ص ۹۳ و ۱۵۷؛ ج ۴۵، ص ۴۰۷-۸)

۳- عایشه:

وی دختر ابوبکر بن ابی قحافه، و مادرش ام رومان دختر عمیر بن عامر بود. بعد از رحلت حضرت خدیجه (ع) پیامبر اکرم با اصرار ابوبکر از دخترش عایشه و نیز سوده خواستگاری کرد، و دو سال قبل از هجرت در مکه عایشه را عقد کرد و هفت ماه بعد از هجرت در مدینه با او عروسی نمود. عایشه بعد از رحلت رسول خدا (ص) به عنوان همسر پیامبر و دختر خلیفه ابو بکر جایگاه ویژه‌ای به دست آورد. (مقریزی، ج ۱، ص ۷۰) در پایان خلافت شیخین، عایشه یک زن میان سال و صاحب نفوذ در جامعه‌ی حجاز تبدیل شده بود. در دیداهل سنت **عایشه** محبوب‌ترین همسر پیامبر است. با این حال در کتب معتبر آنان آمده که **محمد (ص)** **خدیجه** را بهترین زنان خود می‌دانست. شیعیان نیز دید چندان مساعدی نسبت به او ندارند. (عسکری، نقش عایشه در تاریخ اسلام)

مرگ عایشه توسط معاویه:

معاویه برای گرفتن بیعت مردم مدینه با پسرش یزید به آن شهر سفر کرده بود، ولی بسیاری از صحابه با او مخالفت کردند؛ چرا که یزید را شخصی فاسق و نادان می‌دانستند. در این شرایط معاویه تصمیم گرفت از مخالفان این بیعت، به خصوص کسانی که عثمان را کشته بودند انتقام بگیرد؛ لذا دستور قتل عبدالرحمان بن ابی بکر و خواهرش عایشه را صادر کرده و هر دو را ترور نمود. این ترور نیز در سال ۵۸ هجری اتفاق افتاد. دشمنی بین **عایشه** و **بنی امیه** در بالاترین حد ممکن بود، لیکن بنی امیه با ترور پدرش **ابابکر** و برادرانش و عموزاده اش طلحه، او را تضعیف کردند. **عایشه** و عبدالرحمن در یک سال مردند و سن عایشه ۶۷ سال بود. (ابن اثیر، ج ۸، ص ۹۲)

۴- زینب ام المساکین:

وی دختر خزیمه و همسر عبیده بن حارث بود که در جنگ بدر به شهادت رسید. پیامبر (ص) به قصد اداره‌ی زندگی و سرپرستی یتیمان او در رمضان سال سوم هجری با وی ازدواج کرد. (مقریزی، ج ۱، ص ۱۳۱) زینب زنی نیکو کار و بسیار بخشنده تا جایی که او را مادر مسکینان (ام المساکین) می‌نامیدند. زینب پس از هشت ماه در ربیع الآخر سال چهارم هجری وفات یافت. رسول خدا بر جنازه‌ی او نماز خواند و در بقیع او را به خاک سپرد. (دایرة المعارف تشییع، جلد ۸، ص ۶۰۱-۶۰۰ و ابن اثیر، ج ۶، ص ۱۲۹)

۵- حفصه:

او دختر عمر بن خطاب و همسر خنیس بن حذافه بود که پس از جنگ بدر بر اثر جراحات وارده از دنیا رفت. پس از درگذشت خنیس، عمر از عثمان خواست تا حفصه را به همسری خویش برگزیند، اما عثمان نپذیرفت. سپس نزد ابوبکر رفت و همان پیشنهاد را به او کرد، و او نیز سر باز زد، عمر با خاطری افسرده نزد رسول خدا (ص) رفت و از عثمان گله کرد. پیامبر (ص) او را دل‌داری داد و علی رغم این که حفصه زنی بد اخلاق و تندخو بود او را به زنی خویش گرفت و در ماه شعبان سال سوم هجری با وی ازدواج کرد (مقریزی، ج ۱، ص ۱۳۰)، و عمر را از ناراحتی رهایی

بخشید و حفصه را نیز سرپرستی نمود. حفصه گاهی زندگی را بر پیامبر(ص) تنگ می کرد، اما زنی پاک دامن بود و بسیار روزه می گرفت. او سرانجام در شعبان سال ۴۵ هجری در مدینه از دنیا رفت. (ابن سعد. جلد ۸، ص ۸۱) احادیثی از وی در کتب معتبر نقل شده.

۶-ام سلمه؛

هند بنت ابوامیه، ملقب به ام سلمه، همسر ابوسلمه عبد الله بن عبدالاسد و پسر عمه پیامبر(ص) بود. آن دو از سابقین در اسلام و از مهاجرین به حبشه بودند. ابوسلمه در واقعه ی اُحُد زخم مهلکی برداشت. که اندکی بعد بر اثر آن در گذشت و چهار فرزند از خود به جای گذاشت. پیامبر(ص) به منظور سرپرستی و تربیت فرزندان ابوسلمه از او خواستگاری کرد و او را به عقد خویش در آورد. ام سلمه زنی محدثه، پاک دامن، نیکو کار و صالح بود. او پس از رحلت پیامبر(ص) پیوستگی خود را با اهل بیت(ع) حفظ کرد و به واسطه ی دفاع از حق امامت علی(ع) و حقوق فاطمه(ع) در مورد فدک یک سال از دریافت مستمری محروم گردید.

در زمان خلافت علی(ع)، عایشه کوشید تا ام سلمه را جز مخالفان خلیفه قرار دهد، اما ام سلمه نه تنها به صف مخالفان نه پیوست بلکه او را از علی بر حذر داشت. او پس از شهادت حضرت علی(ع) مبارزه ی سرسختانه ای را با معاویه و افرادی که علی(ع) را در مناظر و معابر دشنام می دادند آغاز کرد و در نامه ای به معاویه عمل زشت او را نکوهش نمود. وی پس از واقعه کربلا به عزاداری شهدای اهل بیت(ع) پرداخت و بنی هاشم به تعزیت او که تنها همسر بازمانده ی پیامبر(ص) بود می رفتند.

ام سلمه در خردمندی و اخلاق از زنان نامدار عهد خویش و در تحمل مصایب نمونه بود. او ۳۸۷ حدیث روایت کرده که شماری از آنها در فضیلت علی(ع) است. او همواره می گفت: از پیامبر(ص) شنیدم که می فرمود: «من سبّ علیاً فقد سبّنی: هر که علی را دشنام دهد، مثل آن است که مرا دشنام داده است» ام سلمه در سن هشتاد و چهار سالگی در گذشت و پیکرش را در بقیع به خاک سپرده اند. (دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۰۲).

ام سلمه در قرآن

نام و یاد بسیاری از افراد در قرآن ذکر شده که برخی از آنان افتخار را برای خود جاودانه کرده اند و برخی دیگر نامشان در ردیف بدکاران و ستمگران، ماندگار شده است. در این میان، ام سلمه بانویی است که آیاتی چند در مورد او نازل شده است و مفسران در شأن نزول برخی از آیات، به او اشاره نموده اند: روزی ام سلمه از پیامبر گرامی اسلام(ص) پرسید: ای پیامبر خدا! چرا نام مردان در جریان هجرت، ذکر شده است، اما به زنان اشاره ای نشده است؟ خداوند در پاسخ او، این آیه را بر پیامبرش فرو فرستاد:

«فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ» (آل عمران/۱۹۵)

«خداوند دعای آنان را اجابت کرد که من هرگز عمل عمل کننده ای را - خواه مرد باشد یا زن - ضایع نمی کنم. (ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۶۸)

2- ام سلمه بیشتر لباس سفیدی می پوشید که دو بند در پشت آن قرار داشت و آویزان می شد. یکی از همسران پیامبر(ص) با تمسخر به حفصه همسر دیگر پیامبر(ص)، می گفت: نگاه کن، آنچه در پشت ام سلمه آویزان است، همانند زبان سگ می باشد و گفته اند آن دو نفر، ام سلمه را به سبب کوتاهی قدش مسخره می کردند. از این رو آیه نازل شد که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ، وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ». (حجرات/۱۱) ای کسانی که ایمان آوردید، گروهی از شما، گروه دیگر را مسخره نکنند؛ چه بسا از آنها بهتر باشند و هیچ یک از زنان، زنان دیگر را مسخره نکنند، چرا که شاید، آن زنان، از مسخره کنندگان بهتر باشند. (بحرانی، ج ۵، ص ۱۰۹)

ام سلمه، حافظ سنت پیامبر(ص)

ام سلمه یکی از راویان احادیث پیامبر(ص) شمرده می شود و بسیاری از علماء علم رجال، همچون برقی و شیخ طوسی، او را در ردیف راویان احادیث پیامبر(ص) قرار داده اند. وی از پیامبر(ص)، فاطمه زهرا(س) و ابی سلمه، روایاتی را نقل می کند. گروه بسیاری از صحابه و تابعین نیز از وی احادیثی را نقل کرده اند. بی شک چنین مقامی برای ام سلمه، بسیار افتخارآمیز است و او را در میان همسران پیامبر(ص) ممتاز می کند. همچنان که گذشت تعداد احادیث وی به ۳۷۸ حدیث می رسد. وی از جمله روایانی است که این سخن پیامبر(ص) را نقل کرده است: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَا فَعَلِيٌّ مَوْلَا» «هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست.» همچنین او در زمره روایانی قرار دارد که حدیث مربوط به آیه تطهیر که در مورد اهل بیت پیامبر(ص) نازل شده است را نقل می کند. وی ناقل حدیث ثقلین نیز می باشد: «گویا می بینم که خوانده می شوم و باید بروم، من در میان شما دو شیء گرانبها را می گذارم که یکی از دیگری بزرگتر است: کتاب خدا که ریسمانی است که از آسمان به سوی زمین کشیده شده است و اهل بیتم را. مراقب باشید که از آن دو تخلف نکنید.

ام سلمه در خانه پیامبر(ص)

هنگامی که ام سلمه به خانه پیامبر(ص) پای گذاشت، گویی دنیایی جدید در برابر دیدگانش، آشکار شد. او که می پنداشت ابی سلمه بهترین مرد دنیاست، اینک آنچنان مجذوب و شیفته رفتار پیامبر(ص) شده بود که خود را خوشبخت ترین زن دنیا می دانست. از هیچ محبتی نسبت به

پیامبر(ص) کوتاهی نمی کرد آنچه را که پیامبر(ص) دوست داشت، او نیز گرمی داشت پیامبر(ص) به خدیجه بسیار علاقه داشت و ام سلمه نیز مجذوب خدیجه بود پیامبر به علی(ع)، فاطمه(س)، حسن و حسین(ع) علاقه وافر داشت و ام سلمه نیز به آنها عشق می ورزید. پیامبر(ص) نیز به او علاقه داشت و در خانه او احساس آرامش می کرد تا آنجا که عایشه و برخی از زنان دیگر به حال او غبطه می خوردند. پیامبر(ص) روزی به او فرمود: «من هدایای بسیاری را برای نجاشی پادشاه حبشه فرستاده ام اما پیش از آنکه هدایا به او برسد، او از دنیا می رود و هدایا بار دیگر به مدینه باز می گردد، هنگامی که به دست برسد، آنها را به تو می بخشم.» پس از مدتی نجاشی از دنیا رفت و هدایا را نزد پیامبر(ص) باز گردانید. پیامبر(ص) بخش کوچکی از آن را بین سایر همسرانش تقسیم کرد و بقیه را به ام سلمه بخشید.

ام سلمه پشتیبان فاطمه زهرا(س)

هنگامی که پیامبر(ص) چشم از جهان فرو بست، غم و غصه بر شبستان دل ام سلمه خیمه زد و برای رهایی از غم و غصه، دست به دامن دخترش فاطمه زهرا(س) آویخت. فاطمه ای که تمام وجود پیامبر(ص) بود و پیامبر(ص) به او عشق می ورزید. پس از رحلت پیامبر(ص) پیچک آتش کینه و تفرقه در میان مسلمانان رشد کرد و گروهی برای رسیدن به حکومت، دین و ایمان خود را فراموش کردند. شعله های این کینه، فاطمه(س) که پاره تن پیامبر(ص) بود را نیز در بر گرفت تا آنجا که او را از میراث پدرش نیز محروم کردند. در چنین شرایطی که بیشتر مسلمانان سر در گریبان ترس و نفاق فرو برده بودند، ام سلمه یگه و تنها، در برابر سردمداران حکومت برآشفته و خطاب به آنان گفت: آیا چنین رفتاری را نسبت به فاطمه روا می دارید؟ به خدا سوگند! فاطمه فرشته ای در میان انسانهاست. در خانه پیامبران پرورش یافته است و به دست ملائکه شیر خورده و به وسیله بهترین مربی تربیت شده است. آیا می پندارید پیامبر(ص) او را از ارث محروم کرده است، اما به او نگفته است؟! در حالی که خداوند پیامبر(ص) فرمود: «بستگان نزدیک را انداز کن! ... فاطمه بهترین زنان است و همدیف دختر عمران است و همسر شیر زیان علی مرتضی(ع) می باشد. نبوت با پدر او خاتمه یافت. به خدا سوگند پیامبر(ص) به او عشق و علاقه فراوان داشت ... وای بر شما اگر پیامبر(ص) چنین رفتاری را از شما نسبت به دخترش ببیند .

برخورد ام سلمه با عایشه

پس از آنکه پیامبر(ص) رحلت فرمود، ام سلمه کوشید تا نقش خویشتن را در یاری امام علی(ع) ادامه دهد. او که در خانه پیامبر(ص) تربیت شده بود و با راهنماییهای پیامبر(ص) حق را از باطل می شناخت، اینک تنها راه سعادت را در حمایت و پشتیبانی از علی(ع) می داشت. از این رو در هر مناسبتی به هدایت مردم می پرداخت و افراد را با حقایق آشنا می نمود. در همین راستا، هنگامی که عایشه خود را برای جنگ با علی(ع) آماده می کرد، به سبب آنکه عمل خویش را توجیه کند به نزد ام سلمه آمد و او را به خونخواهی عثمان خواند. اما ام سلمه، با بینش والایی که داشت، با سخنانی بسیار شیوا، جایگاه علی(ع) را یادآور شد و او را پند و اندرز داد. شیخ مفید پیرامون برخورد ام سلمه با عایشه چنین روایت می کند:

هنگامی که عایشه آماده حرکت به سوی بصره می شد، در مکه به نزد ام سلمه آمد و گفت: «ای دختر ابی امیه، تو بزرگترین مادر مسلمانان هستی و پیامبر(ص) در خانه تو بسیار به نماز می ایستاد و وحی نیز در خانه تو بر پیامبر(ص) نازل می گشت. ام سلمه گفت: ای دختر ابی بکر، تو به دیدار من آمدی در حالی که من دوست نداشتم و به چه سبب چنین سخنانی می گویی؟ عایشه پاسخ داد: پسر و پسر برادرم گفته اند که عثمان مظلومانه کشته شده است و در بصره یکصد هزار شمشیر آخته به سبب خونخواهی او به جنگ پرداخته اند، آیا به همراه من می آیی تا میان آنها صلح و آرامش برقرار کنیم؟ ام سلمه گفت: آیا به خونخواهی عثمان پرداخته ای؟ در حالی که خود به شدت با او مخالف بودی! یا اینکه برای مخالفت با علی بن ابی طالب، چنین آماده شده ای؟ تو میان پیامبر(ص) و امت او همانند سدی هستی، پیامبر(ص) جایگاه تو را به خوبی می دانست و تو را از چنین اعمالی نهی کرد.. (شیخ مفید، ص ۱۱۶)

ام سلمه همراه با علی(ع)

پس از پیامبر(ص) مسلمانان، از مسیر حق و حقیقت منحرف شدند، به جز گروهی اندک که چون پروانه بر گرد علی(ع) حلقه زدند. یکی از این افراد ام سلمه بود. فرزند ام سلمه چنین روایت می کند: مادرم می گفت: پیامبر(ص) و علی(ع) در خانه من نشسته بودند. پیامبر(ص) دستور داد پوست گوسفندی آوردند و سپس بر روی آن مطالبی نوشت. سپس آن را به من داد و گفت: «هر که پس از من با این نشانه ها نزد تو آمد و این نوشته را خواست، آن را به او بده!

پس از چندی پیامبر(ص) از دنیا رفت و ابوبکر زمام امور را در دست گرفت. مادرم - ام سلمه - مرا به مسجد فرستاد و گفت: برو و ببین ابوبکر چه می کند. من نیز به مسجد رفتم. ابوبکر خطبه ای خواند و سپس به خانه بازگشت. و من نیز ماجرا را برای مادرم باز گفتم. پس از چندی ابوبکر از دنیا رفت و عمر به جای او حکومت را در دست گرفت. من نیز به دستور مادرم همان کار را انجام دادم. پس از او نیز عثمان بر اریکه قدرت تکیه زد و من نیز همان کار را تکرار کردم. پس از عثمان، علی(ع) به سبب پافشاری مردم، حکومت را پذیرفت. مادرم مرا به مسجد فرستاد و گفت: ببین این مرد چه می کند. من نیز به مسجد رفتم. علی(ع) پس از آنکه خطبه اش پایان یافت، از منبر فرود آمد. هنگامی که در میان مردم، چشمش به

من افتاد، مرا فرا خواند و گفت: «به مادرت بگو علی(ع) به دیدارت می آید. من نیز به مادرم سخن علی(ع) را گفتم. مادرم در پاسخ گفت: به خدا سوگند من می خواهم با او دیدار کنم. علی(ع) نزد مادرم آمد و فرمود: نامه ای که پیامبر(ص) به تو سپرده است، به این نشانه ها به من بده!» مادرم نیز برخاست و از داخل صندوقچه ای کوچک نامه ای را بیرون آورد و به علی(ع) داد و سپس به من گفت: «پسرم، همواره در رکاب علی(ع) باش. به خدا سوگند پس از پیامبر، رهبری جز او نمی بینم.» (برای اطلاعات بیشتر رک به: علامه عسکری، نقش عایشه در اسلام)

ام سلمه همراه با امام حسین(ع)

یکی از فضایل ام سلمه این بود که پیامبر(ص) نکهتی از تربیت پاک سیدالشهداء را به او داد و فرمود: هنگامی که از این تربت خون جوشید بدان که حسین(ع) به شهادت رسیده است. هنگامی که امام حسین(ع) به سوی عراق حرکت کرد، نامه ها و وصیتهایی را نزد ام سلمه باقی گذارد. پس از شهادت امام حسین(ع) ام سلمه این نامه ها و وصایا را به امام سجاد(ع) باز گرداند. همچنین روزی ام سلمه را گریان دیدند. از او پرسیدند که چرا چنین مضطرب و پریشانی؟ گفت: «در عالم رؤیا پیامبر(ص) را دیدم که بر سر و محاسنش پر از خاک بود. با ناراحتی گفتم: چه شده است ای رسول خدا؟! پیامبر پاسخ داد: هم اکنون حسین به شهادت رسید. به گفته ابن سعد، هنگامی که خبر شهادت امام حسین(ع) به ام سلمه رسید، با ناراحتی گفت: مرگ بر قاتلان او و خدا خانه هایشان را پر از آتش کند. سپس آنچنان گریه کرد که از هوش رفت، در حالی که می گفت: خداوند مردم عراق را لعنت کند. (شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۳۰ و مجلسی، ج ۱۸، ص ۱۲۴)

ام سلمه شاعری توانا

از ام سلمه اشعار بسیاری به یادگار مانده است، که حکایت از طبع روان و روح لطیف او دارد. او اشعاری را در باره جشن ازدواج فاطمه(س) و علی(ع) سروده است که شوق وصف ناپذیر او را نشان می دهد. همچنین هنگامی که در دوران کودکی حسین(ع) با او بازی می کند، اشعاری برایش می سراید. برخی از اشعار او نیز پیرامون نهی عایشه از جنگ با علی(ع) است.

غروب ام سلمه

پس از عمری فداکاری و ایثار، ام سلمه چشم از جهان فرو بست و با افتخارات و فداکاریهایش برگی زرین را بر کارنامه زنان برجسته اسلام افزود. ام سلمه با عملکردش نه تنها راه و روش زندگی را به زنان آموخت، بلکه همواره کوشید تا خورشید حقیقت را از لابه لای ابرهای باطل، بیرون بکشد. در تاریخ وفات این بانوی بزرگ اسلام، میان مورخین اختلاف است. برخی رحلت او را در سال ۵۷ هجری ذکر کرده اند و برخی جریان رحلت او را از حوادث سال ۶۱ هجری می شمارند.

۷- زینب بنت جحش ؛

وی دختر جحش بن رباب و مادرش امیمه دختر عبدالمطلب عمه رسول خدا (ص) و کنیه اش ام الحکم بود. وی در اولین روزهای دعوت پیامبر (ص) ایمان آورد و پس از هجرت آن حضرت از اولین مهاجرین بود. نام وی «بَرَّة» بود که پیامبر (ص) آن را به زینب تغییر داد و برای پسر خوانده اش زید بن حارثه خواستگاری کرد. زینب در ابتدا با این ازدواج مخالفت نمود. اما چون آیه ۳۶ احزاب در این باره نازل گردید (طبری، ج ۲۲، ص ۱۱)، و از سوی پیامبر (ص) نسبت به این ازدواج رضایت داشت، سرانجام موافقت کرد، ولی دیری نپایید که به خاطر عدم تفاهم و ناسازگاری میان آن دو، زید صلاح خویش و زینب را جدایی دید و او را طلاق داد. این عمل بر پیامبر (ص) بسیار ناگوار بود، زیرا زینب به خاطر حکم خدا و رسولش تن به این ازدواج داده بود، با پایان یافتن عده زینب، پیامبر (ص) برای آن که خاطر افسرده زینب را آرامش دهد، و نیز یکی از رسوم جاهلیت (تحریم ازدواج با پسر خوانده) را از میان برد، از زینب خواستگاری کرد و با نزول آیه ۳۷ سوره احزاب و آگاهی زینب از آن، وی سجده کرد و با اشتیاق کامل از خواسته پیامبر (ص) استقبال نمود. زینب زنی مؤمن و مطیع فرمان الهی بود. بسیار نماز می خواند و صدقه فراوان به فقیران می داد و زینب یازده حدیث از رسول خدا (ص) روایت کرده است. او در سال ۲۰ یا ۲۱ هجری در حدود ۵۰ سالگی وفات یافت. (دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۹۷)

۸- جویره (جویره) ؛

جویره دختر حارث بن ابی ضرار رئیس قبیله بنی المصطلق و از قبیله ی خزاعه و همسر پسر عمویش مسافع بن صفوان بود. او در جریان جنگ مریسیع به اسارت مسلمانان در آمد و سهم ثابت بن قیس شماس شد. او در مدینه خدمت پیامبر (ص) رسید و خود را معرفی کرد و گفت: من دختر حارث بزرگ قوم خود هستم و مصیبت هایی بر من وارد شد که بر شما پوشیده نیست، اینک به یگانگی خدا و رسالت شما شهادت می دهم و درخواست آزادی خود را دارم. رسول خدا (ص) بهای آزادی او را به ثابت پرداخت کرد و او به همسری خود برگزید. چون خبر ازدواج پیامبر (ص) با جویره در مدینه منتشر شد، مسلمانان نیز به تبعیت از پیامبر (ص) اسیران خود را آزاد ساختند و بدین طریق گروهی را بنی المصطلق به

دین اسلام در آمدند ، و این ازدواج موجب گسترش دین اسلام در آن قبیله گردید . جویره زنی نیکو کار بود و تا سال ۵۶ هجری در قید حیات بود . (ابن سعد، ج ۸ ص ۱۱۷)

۹- صفیه ؛

صفیه دختر حئی بن اخطب ، و از سلاله ی هارون بن عمران (برادر حضرت موسی (ع)) و مادر بره دختر شمو یل از یهودیان بنی نضیر بود . او ابتدا همسر سلّام بن مشکم بود که پس از جدایی با وی یه عقد کنانه بن ربیع درآمد . و پدرش در جنگ خیبر به دست مسلمانان کشته شدند . و صفیه و دیگر یهودیان به اسارت مسلمانان درآمدند . پیامبر (ص) او را میان دو امر مختار کرد : بردن بماند و یا خدا ورسولش را بپذیرد که برای او بهتر است . صفیه گفت : پیش از آن که مرا به اسلام بخوانی ، به آن ایمان آورده ام و با یهودیان نیز مرا سرو کاری نیست که مرا در پذیرش کفر و ایمان به خود واگذاری . پس رسول خدا (ص) دستور داد تا عده وفات نگاه دارد . آن آگاه او را به عقد خویش در آورد ، و در محله عالیه و در خانه ی یکی از افراد قبیله بنی حارثه منزل داد. صفیه پیامبر را از صمیم قلب دوست داشت و از ابراز این علاقه قلبی ابایی نداشت ، و به هنگام بیماری پیامبر (ص) بیش از سایرین بی تابی می کرد و مضطرب و نگران بود . ازدواج پیامبر با صفیه پیوند یهودیان با مسلمانان را مستحکم کرد و از آن تاریخ تا زمان خلافت عمر هیچ حرکت مخالفی را علیه اسلام انجام ندادند . صفیه درسال پنجاه و دو هجری در زمان خلافت معاویه در مدینه در گذشت و در گورستان بقیع به خاک سپرده شد . (دایره المعارف تشیع ، جلد ۱۰ صفحات ۳۸۷-۳۶۷)

۱۰- ام حبیبه ؛

او دختر ابو سفیان و همسر عبید الله بن جحش بود . وی و همسرش از مسلمانان مهاجر به حبشه بودند ، که شوهرش در آن جا مسیحی شد و همان جا از دنیا رفت و صفیه در دیار فریت تنها وبی سرپرست زندگی می کرد تا آن که روزی فرستاده نجاشی بر او وارد شد ، و نامه ی پیامبر (ص) را به او عرضه داشت . در این نامه پیامبر (ص) از پادشاه حبشه خواست تا ام حبیبه را به عقد حضرت در آورد . ام حبیبه از این خبر بسیار خوشحال شد به طوری که دست بند نقره خود را به کنیز نجاشی بخشید ، و نجاشی او را به همسری پیامبر (ص) در آورد و مهریه ی او را چهار صد دینار قرار داد و همده جعفر بن ابی طالب به مدینه فرستاد . او علاقه ی زیادی به رسول خدا (ص) داشت . ابوسفیان وقتی از خبر ازدواج دخترش با پیامبر (ص) آگاه شد گفت : دیگر نمی شود این مرد راشکست داد. ام حبیبه تا سال چهل و چهار هجری زنده بود. (برقی، ج ۲، ص ۴۱۸ و شیخ صدوق، ج ۳، ص ۴۷۳)

۱۱- میمونه ؛

وی دختر حارث بن حزن الهلالیه و همسر مسعود بن عمرو بود . پس از این که مسعود او را طلاق داد با ابورهم بن عبد العزی ازدواج کرد ، و پس از مرگ همسرش تنها ماند تا اینکه پیامبر (ص) برای انجام حج عمره قضا به مکه آمد ، و او از طریق عباس عموی پیامبر (ص) و شوهر خواهرش «ام الفضل» پیشنهاد ازدواج خود را به رسول (ص) داد، و آن حضرت او را به عقد خود در آورد وخواست ولیمه ای بدهد و مراسم عروسی را در مکه بر گزار کند ،؛ و از این طریق روابط سرد سیاسی بین مکه و مدینه را از میان بر دارد ، اما قریش نپذیرفته و از پیامبر (ص) خواستند تا طبق قرارداد (سه روز توقف در مکه برای اعمال حج) مکه را ترک نماید ، میمونه پس از رحلت پیامبر (ص) تا سال ۶۱ هجری زنده بود . (ابن اثیر، ج ۶، ص ۲۷۳) گویند وی از مصادیق آیه ۳۳: ۵۰ است، اومراه مومنه ان وهبت نفسها للنبی؛ احادیثی از وی بجای مانده (رک به: الموطاء، ج ۵، ص ۱۴۰۹ و ج ۵، ص ۱۴۱۵ و ابن حنبل ج ۴۴ ص ۳۸۴)

۱۲- ماریه قبطیه ؛

وی کنیزی بود که مقوقس حاکم اسکندریه در پاسخ به نامه پیامبر (ص) او را به عنوان هدیه به سوی آن حضرت روانه کرد . ماریه به وسیله ی حاطب بن ابی بلتعه اسلام آورد ، و پیامبر (ص) برای نشان دادن برابری و مساوات اسلامی و رضایت ماریه با وی ازدواج کرد . ماریه بعد از خدیجه تنها زنی بود که برای رسول خدا (ص) پسری به نام ابراهیم آورد . این بانوی پرهیزگار تا سال شانزده هجری زنده بود (قمی، ج ۱، ص ۱۷۹ و سید حمیری ، ص ۹) .

نتیجه گیری :

طبق بررسی های صورت گرفته بیشتر همسران گرانقدر پیامبر اکرم دارای فضایل و کمالات بودند و از ایشان احادیثی بجای مانده که بازگو کننده بخش مهمی از حوادث صدر اسلام و سیره پیامبر(ص) می باشد. در این میان نقش جناب عایشه وام سلمه سلام الله علیهما بسیار پر رنگ تر از سایرین است وایشان نقش بسیار مهمی در حوادث پس از رحلت رسول خدا داشتند.



منابع و مأخذ:

۱. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۵م
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۶ق
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق
۴. الامام مالک، کتاب الموطاء، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق
۵. بحرانی سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق
۷. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق
۸. دایره المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدرحاج سیدجوادی، کامران فانی و بهاءالدین خرمشاهی. تهران: سعید محبی، ۱۳۷۵
۹. عسکری، مرتضی، نقش عایشه در تاریخ واحادیث اسلام، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۹۰ش
۱۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق
۱۲. مجلسی محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
۱۳. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق
۱۴. الهاشمی البصری، محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰م